



انجمن پادشاهی ایران

کانادا

از خاطرات عایشه :

مجلسی از قول عایشه می نویسد :

همیشه پس از آنکه عایشه آب می آشامیده ، محمد ظرف آب را از دست او گرفته و از همان محلی که لبهای عایشه با ظرف تماس داشته ، بقیه آب ظرف را می آشامیده.

در هنگام غذا نیز ، محمد استخوانهای باقیمانده از عایشه را بدنان می کشیده. یعنی بعد از اینکه عایشه گوشت های استخواندار را میخورد ، ته مانده اش را جلو محمد می انداخته و محمد هم ته مانده استخوانهای غذای عایشه را بدنان می کشیده. (حفش بود که بجای سفلیس ایدز می گرفت !!)

ای کاش فاطمی جان در خاطراتش اینرا میگفت ، که آیا خمینی هم ته مانده استخوانهای غذای او را بدنان می کشیده یا نه ! ولی می دانیم که سید احمد گریان ظرف 5 سال دوره نامزدی فاطمی با آقا، گوشت که هیچی ، حتی استخوان هم گیرش نیامد . و پس از مرگ خمینی ، فاطمی و رفسنجانی (رسماً جانی) ، سر او را هم به زیر آب کردند تا گند میلیاردها تومان دزدی آنها از حساب آقا در نیاید.

عایشه را از یاد نبریم که میگوید:
او تنها همسر محمد بوده که الله تازی در باره اش با محمد صحبت کرده.
(این بدان معناست که الله گوشه چشمی هم به عایشه داشته. !!!)

می گوید: در جریان قرار و فرار او با صفوان ، همین الله بود که آیاتی مبنی بر بیگناهی او فرستاد ، و چون این آیه برای اولین بار در اطاق خواب او نازل شد ، در نتیجه او قبل از همه در مورد نزول آیه و بی گناهی خودش آگاه و خیالش راحت بود که شلاقی در کار نیست.

اینهم نشانه دیگری از توجه خاص الله به عایشه. ! پس چرا این ایرانیان شیعه صفت نمک بحرام ، سوگلی محمد را که مورد توجه خاص الله تازی هم بوده ، تبدیل به فاحشه کردند ، و هنوز معلوم نیست که عایشه چه هیزم تری به ایرانیان فروخته بوده !

عایشه میگوید که الله تازی قبل از ازدواج ، عکس او را توسط جبرائیل به محمد نشان و دستور داده بوده ، که این دختر را بگیر !
آنوقت شما از خدا بیخبران هی بگوئید که اعراب آن زمان بیابانگرد و سوسمار خور بودند !

می گوید: او با محمد زیر یک سقف حمام می کرده ، زمانیکه او 9 ساله بوده با محمد 53 ساله به حجله رفته ، و محل سکونت او در کنار مسجد پیامبر بوده و محمد همه روزه بعد از نماز به او سر می زده ، چون پیامبر بچه ها را خیلی دوست می داشته.

چشم مسلمانها روشن، که بدانند بچه ها را دوست داشتن یعنی چه ، و از همه مهمتر اینکه ، عایشه می گوید: اکثر آیه های تازیانه در اطاق خواب او به محمد نازل شده و او همیشه شاهد غش کردنهای محمد برای دریافت پیام از خدا بوده.

به شهادت تاریخ محمد از سن 4 سالگی مبتلا به بیماری (اپی لپسی) یا همان بیماری غش بوده و خانواده اش گمان میکردند که ارواح خبیثه بجان او افتاده اند.

علت این بیماری تنگی شریانهای حامل خون به مغز است ، و افراد مبتلا بعلت نرسیدن خون کافی به مغزشان، همواره در گیر هزیانها و نا ملایمات فکری هستند.

سلمان پارسی به روحیه و رفتارهای روانی محمد کاملاً پی برده بود و بین تمام افرادی که تلاش می کردندند، پست پیامبری را اشغال کنند، محمد بهترین کاندیدا بود.

و چون عایشه در 9 سالگی از این چیزها سر در نمی آورده ، در نتیجه هر وقت محمد غش میکرد ، عایشه چنین می پنداشته که او دارد از طرف الله تلگراف دریافت می کند ، و محمد نیز برای همین اکثر اوقاتش را نزد عایشه می گذرانده ، چرا که عایشه در مقایسه با سایر همسران محمد ، بچه سال بوده و محمد خیلی راحت می توانسته او را فریب دهد و حالات غش کردن خود را بحساب تماس با خدا و دریافت تلگراف بگذارد.

عایشه میگوید : زمانیکه محمد آخرین نفسهایش را می کشیده ، سرش را روی سینه های او نهاده بوده تا ثواب بیشتری نصیب عایشه شود. و بنا به خواست محمد ، جسد او را زیر اطاق خواب عایشه دفن کردند تا حی پس از مرگ هم ، مواظب عایشه باشد تا دیگران نتوانند به عایشه ناخنک بزنند.

مجلسی می گوید:

از محمد پرسیدند ، چه کسی را در بین یاران و اقوامت بیشتر از همه دوست داری ؟ او گفت عایشه و ابوبکر را از همه بیشتر دوست میدارم، که این دو عزیزترین کسان من هستند.

بالاخره ما نفهمیدیم مشکل این ایرانیها با عزیزترین کسان محمد چیست ، تا آنجا که بیاد داریم ، پدر بزرگها و مادر بزرگها گفته اند لعنت بر ابوبکر و دخترش عایشه که فاحشه بود، حرف چه کسی درست است ؟ محمد تازی یا ایرانیان از خدایی خبر نا راضی؟

به هر یک از زنان پیامبر ماهی 10.000 درهم ولی به عایشه ماهی 20.000 درهم از بیت المال پرداخت می شده. البته می دانید که 10.000 درهم اضافه پرداختی به عایشه بابت حق السکوت به عایشه بوده، تا او در مورد چگونگی تماسهای تلفنی محمد با الله تازی در اطاق خواب خودش، با مردم سخنی نگوید. و آنچنانکه عایشه مدعی است ، او هم در زمان نزول و دریافت آیه ها با محمد شریک بوده. پس می بینیم که محمد سر عایشه هم کلاه گذاشته و کلیه افتخارات تماسهای تلفنی با خدا را بحساب خودش نوشته.

بی جهت نیست که عایشه هر کاری که دلش می خواست ، انجام می داده و محمد چاره ای بجز ندان رو جگر گذاشتن و آیه بیگناهی برای او نازل کردن نداشته. چرا که اگر عایشه را طلاق میداد ، در مدت کونااهی عایشه تمام اسرار مگوی او را در کوچه و بازار برای همه فاش می کرد . پس یا باید عایشه را راضی نگاه میداشت ، و یا اینکه او را می کشت. که مورد دوم عملی نبود، چرا که عایشه و ابو بکر ، عزیزترین کسان او بودند.

و اما آخر داستان شنیدنی است که مجلسی می گوید:
 هنگامیکه امام زمان ظهور کند ، عایشه را هم زنده خواهد کرد تا او را شلاق بزند و انتقام فاطمه
 یکی از همسران محمد و مادر ابراهیم را از او بگیرد!
 می پرسی چرا ؟

عایشه دریافته بود که ابراهیم فرزند خود محمد نیست و فاطمه مادر ابراهیم با مرد دیگری
 رابطه داشته . و در مقابل مردم گفته بوده که ابراهیم حرام زاده است.

پس چرا محمد خودش عایشه را شلاق نزد ؟
 الله گفته بود که ای محمد خودت را خسته نکن و این کار را به امام زمان خونخوار واگذار کن،
 چون او برای انتقام گیری و کشتار مردم ظهور خواهد کرد.

چشم ما روشن !!!!!
 تازه دریافتیم که این آخوندهای حرام زاده، اینجا هم بما دروغ گفته بودند !

1400 سال است که میگویند امام زمان برای گسترش عدل و عدالت می آید !
 ولی مجلسی از قول محمد می گوید ، " او برای انتقام و قتل و غارت و چپاول خواهد آمد. "

حالا که آخوندهای حرام زاده مشغول همان کاری هستند که امام زمان قرار است بیاید و
 انجام دهد. آیا بهتر نیست که از خدا بخواهیم آمدن امام زمان را چند سالی دیگر به تاخیر
 بیندازد تا آخوندها خودشان نسل انسان و انسانیت را در زمین نابود و ظهور امام را آسان
 کرده باشد ؟

و خلاصه در کلیه کتابها بعد از نام عایشه بلا فاصله کلمه " ملعونه " بکار رفته و به گمان می رود
 که بدنام کردن عایشه - یکی از اختراعات آخوندهای شیعه گری باشد ، که او و پدرش ابوبکر ،
 این دو عزیز محمد تازی را در صف لغت شونندگان قرار دادند تا میزان نفرت خود به محمد تازی را
 به این شکل بیان کنند.

و لعنت همه تاریخ بر آنهاست که هنوز هم خود را بخواب غفلت زده و تمام چرنیدیات و خرفات تازی
 نامه را کلام الله می دانند و منتظر بهشت هستند.

ننگتان باد که نام بزرگ ایران را به ننگ خود آلوده کرده اید.

روzbهانان ، کیسیها و ای کاوه های ایران زمین
 این اراده و اتحاد شماست، که ایران را نجات خواهد داد

پاینده ایران - پایدار و سرافراز باد آئین ریشه ای
 انجمن نوشیروان - کانادا
 چهارشنبه، 27/10/2004